اَلتَّمارين

اَلتَّمرينُ الْأَوَّل: عَيِّنِ الْجُملَةَ الصَّحيحَةَ وَ غَيرَ الصَّحيحَةِ حَسَبَ الْحَقيقةِ. ✓ ✗

معین کن جمله درست و نادرست را بر اساس واقعیت.

۱ـ اَلْمِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوعٍ مِنَ الْغِزلانِ. ✓
مشک عطری است که گرفته می‌شود از نوعی از آهوان.

۲ـ اَلشَّرشَفُ قِطعَةُ قُماشٍ توضَعُ عَلَى السَّريرِ. ✓
ملافه یک تکه پارچه‌ای است که قرارداده می‌شود بر روی تخت.

۳ـ اَلْعَرَبُ يَنطِقونَ الْكَلِماتِ الدَّخيلَةَ طِبقَ أَصلِها. ✗
عرب ها زبان می‌آورند کلمات وارد شده را بر اساس اصلش.

۴ـ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئاتُ الْكَلِماتِ الْمُعَرَّبَةِ ذاتُ الْأُصولِ الْفارِسِيَّةِ. ✓
در زبان عربی صدها کلمات عربی شده که دارای ریشه فارسی هستند وجود دارد.

۵ـ أَلَّفَ الدُّكتورُ أَلتونجي كِتاباً يَضُمُّ الْكَلِماتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. ✗
تألیف کرد دکتور تونجی کتابی را که در بر می‌گرفت کلمات ترکی عربی شده در زبان عربی.

اَلتَّمرينُ الثّاني: عَيِّنِ الْعِبارَةَ الْفارِسِيَّةَ الْمُناسِبَةَ لِلْعِبارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

معین کن عبارت فارسی مناسب برای عبارت عربی.

تَجري الرِّياحُ بِما لا تَشتَهي[1] السُّفُنُ. — می وزند بادها به سمتی که نمی خواهد کشتی ها.

اَلْبَعيدُ عَنِ الْعَينِ بَعيدٌ عَنِ الْقَلبِ. — دور از چشم دور از قلب است

أَكَلْتُم تَمري وَ عَصَيْتُم أَمري. — خرمای مرا خوردید و نافرمانی کردید امرم را

خَيْرُ الْكَلامِ ما قَلَّ وَ دَلَّ. — بهترین سخن آن است که کوتاه است و گویاست

اَلصَّبْرُ مِفتاحُ الْفَرَجِ. — صبر کلید گشایش است.

اَلْخَيْرُ في ما وَقَعَ. — خیر در چیزی است که اتفاق افتاده است

هر چه پیش آید خوش آید.

کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ.

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

نمک خورد و نمکدان شکست.

از دل بـــرود هـــر آنکه از دیـــده رود.

بَرَد کشتی آنجا که خواهد خدای وگر جامه بر تن دَرَد ناخدای

۱ـ **تَشْتَهي:** می‌خواهد، میل دارد